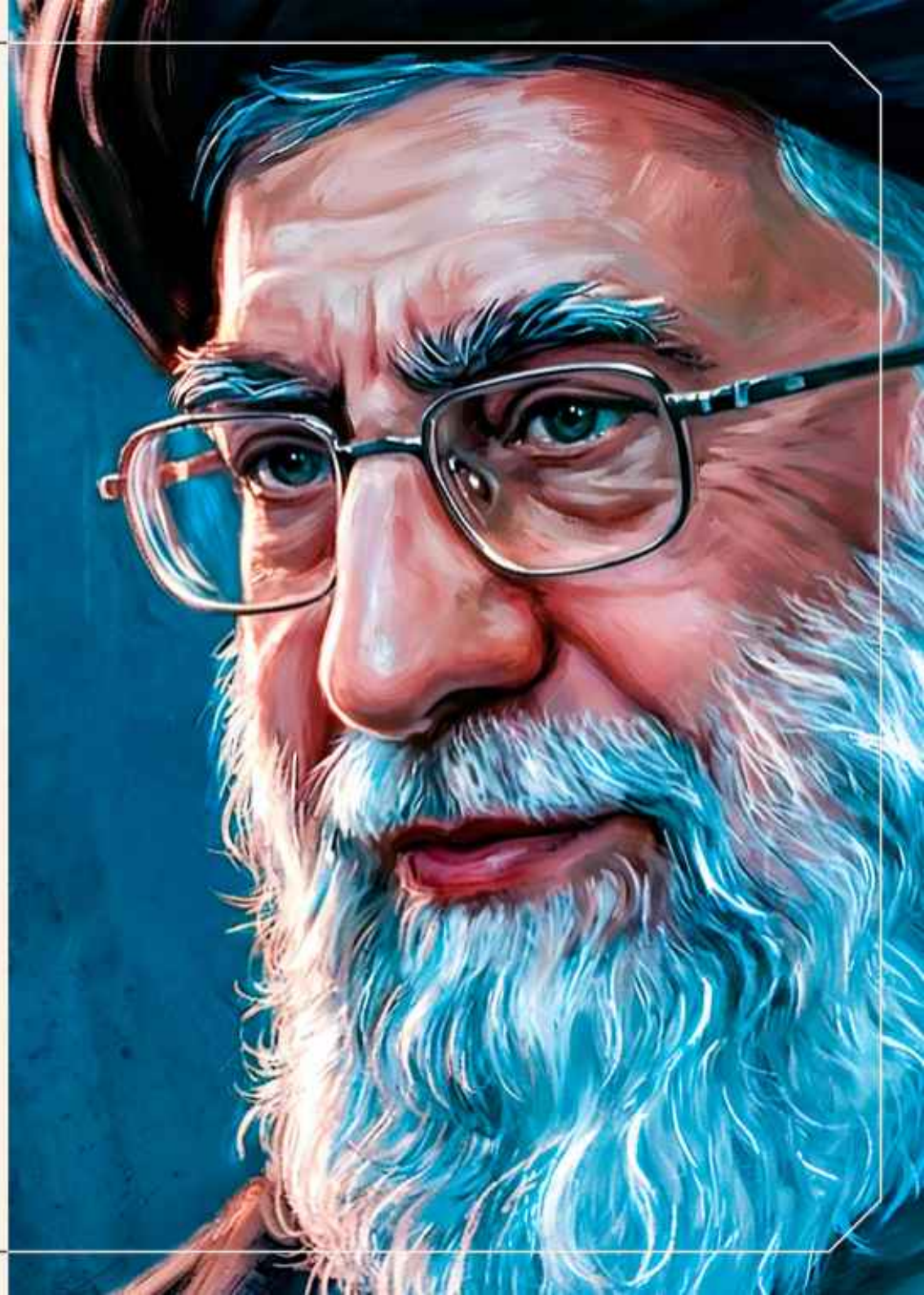


منادیا، امت

دو هفته نامه منادیان امت / شماره بیست دو / نیمه دوم اسفند ۱۴۰۴

به حرفهای آنهایی که بر خلاف مسیر اسلام هستند و خودشان را روشن فکر حساب می کنند و می خواهند ولایت فقیه را قبول نکنند [اعتنا نکنید] اگر چنانچه فقیه در کار نباشد، ولایت فقیه در کار نباشد، طاغوت است. یا خدا، یا طاغوت، یا خداست، یا طاغوت. اگر با امر خدا نباشد، رئیس جمهور با نصب فقیه نباشد، غیر مشروع است وقتی غیر مشروع شد، طاغوت است؛ اطاعت او اطاعت طاغوت است؛ وارد شدن در حوزه او وارد شدن در حوزه طاغوت است. «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» (نساء: ۷۵)

صحیفه نور ۱۳۵۷/۰۷/۱۲



دستِ خدا بر هر فایست
خامنه‌ای ز بهر فایست

پیش‌درآمد: در آستانه عصر ظهور و تقابل نهایی

ای پویندگان طریق حق و سربازان جبهه تبیین؛ ای مؤمنانی که در عصرِ ظلم، دل در گرو نصرتِ الهی و ظهور ولی خدا داشته و عزت امت اسلامی را آرمان والای خویش قرار داده‌اید.

امروز در برهه‌ای حساس از تاریخ ایستاده‌ایم که «پیچ تاریخی» جهان نام گرفته است. در این ایام پرتلاطم و در شرایطی که طاغوت اعظم، آمریکای جنایتکار و غده سرطانی صهیونیسم با تمام توان سخت و نرم خود به میدان آمده‌اند تا ستون‌های مقاومت را متزلزل کنند، آگاهی و بصیرت، سلاحی برنده‌تر از موشک‌های ماست.

این بولتن، فراتر از یک گزارش ساده، فریادِ واقعیت‌ها و دیده‌بانی دقیق میدان است. ما معتقدیم حقیقت در غبار تبلیغات مسموم امپریالیسم رسانه‌ای گم نخواهد شد؛ لذا این سطور با نگاهی «واقع‌بینانه اما آرمان‌گرا» نگاشته شده است تا مرز میان «حق و باطل» را در این معرکه عظیم روشن سازد. التزام ما به آموزه‌های وحیانی به ما می‌آموزد که در اوج سختی‌ها، وعده صادق الهی را به نظاره بنشینیم که: «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا» (حج: ۳۸).



در هفته‌ای که گذشت: شاهد بودیم که چگونه پنجه‌های خونین استکبار در هم‌دستی ننگین با رژیم جعلی، تمام خطوط قرمز انسانی را زیر پا گذاشتند. اما در مقابل، اراده پولادین جبهه مقاومت و تدابیر حکیمانه نظام مقدس جمهوری اسلامی، محاسبات دشمن را در هم ریخت. تحولات اخیر در عرصه جهانی و منطقه‌ای، نه تنها نشان از زوال زود هنگام رژیم غاصب دارد، بلکه نویدبخش بیداری جهانی مستضعفین علیه نظام سلطه است.

در این شماره، به تحلیل لایه‌های پنهان این نبرد تمدنی می‌پردازیم؛ نبردی که در آن ایران اسلامی به عنوان ام‌القرای جهان اسلام، پرچمدار عزت و شرف باقی خواهد ماند. غاصب دارد، بلکه نویدبخش بیداری جهانی مستضعفین علیه نظام سلطه است.

در این شماره، به تحلیل لایه‌های پنهان این نبرد تمدنی می‌پردازیم؛ نبردی که در آن ایران اسلامی به عنوان ام‌القرای جهان اسلام، پرچمدار عزت و شرف باقی خواهد ماند.



آغاز جنگ احزاب نوین: تهاجم وحشیانه استکبار و عروج ملکوتی خورشید ولایت



شرح واقعه: جنایتی فراتر از مرزهای تصور در سحرگاه ننگین ۲۸ فوریه (۱۰ اسفندماه)، جهان شاهد وقیحانه‌ترین پرده از نمایش تروریسم دولتی بود. مثلث شوم «آمریکا، رژیم صهیونیستی و ایادی منطقه‌ای» در عملیاتی که پوشالی بودن ادعاهای حقوق بشری‌شان را بیش از پیش رسوا کرد، تهاجمی گسترده و همه‌جانبه را علیه خاک مقدس جمهوری اسلامی آغاز کردند. این حملات که با استفاده از پیشرفته‌ترین جنگ‌افزارهای اهدایی شیطان بزرگ صورت گرفت، نه یک رویارویی نظامی، بلکه یک «جنایت جنگی عیان» شهادت مقتدای مقتدر؛ داغی که شعله‌ور می‌ماند، با کمال تأسف و قلبی مالا مال از خون، بر اساس گزارش‌های تأیید شده، روح بلند و ملکوتی رهبر عظیم‌الشان انقلاب، حضرت آیت‌الله العظمی امام علی خامنه‌ای (رفع الله درجه)، در جریان این حملات کینه‌توزانه به معراج شهادت پرکشید و به یاران شهیدش پیوست. دشمن بزدل که در میدان نبرد رو در رو، یارای مقابله با تدابیر حکیمانه و نفوذ معنوی ایشان را نداشت، در اقدامی تروریستی، ستون خیمه مقاومت را هدف قرار داد. اما زهی خیال باطل! شهادت در مکتب مانده پایان، بلکه آغازی بر یک طوفان بنیان‌کن است. خون مطهر ایشان، رگ‌های نیمه‌جان امت اسلام را جانی دوباره بخشیده و زوال رژیم جعلی را از «شاید» به «باید» حتمی مبدل ساخت.

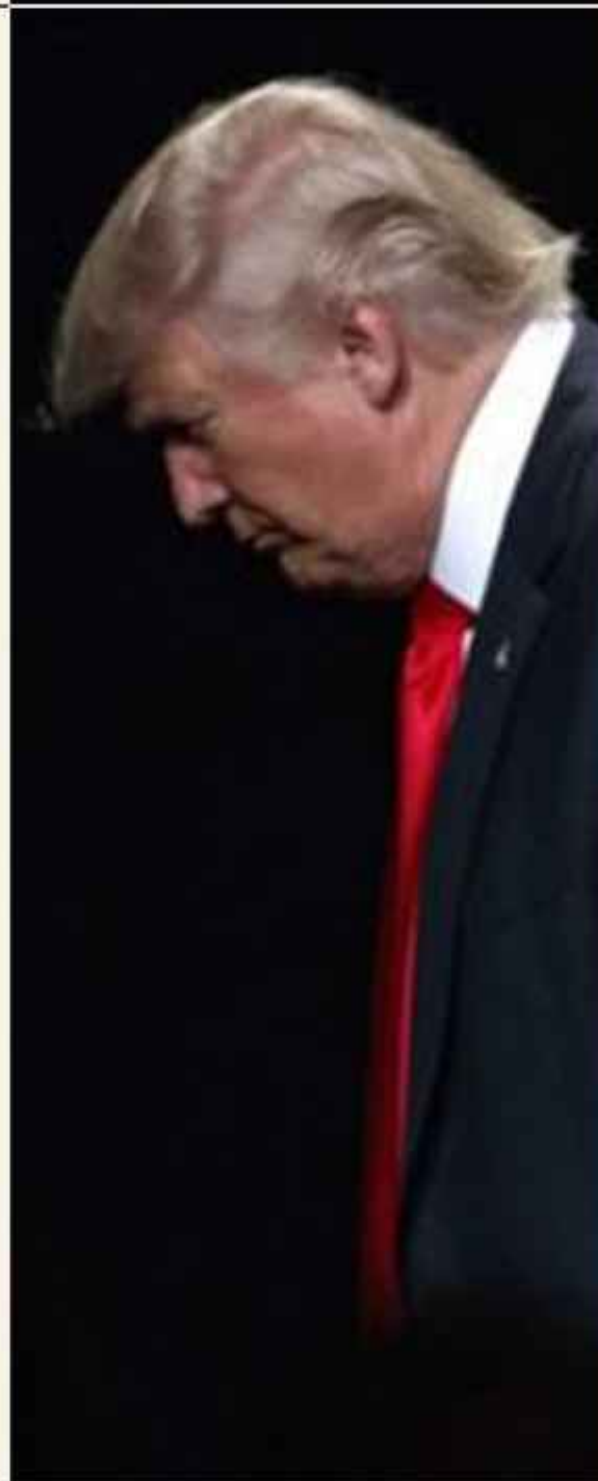


تجاوز به حقوق هسته‌ای و نظامی:

تجاوز به حقوق هسته‌ای و نظامی: بمباران هدفمند تأسیسات هسته‌ای و زیرساخت‌های دفاعی، نشان‌دهنده هراس عمیق استکبار از استقلال علمی و نظامی ماست. آن‌ها خیال کرده‌اند با تخریب چند بنا، دانش بومی و اراده ملی یک ملت برای دستیابی به قله‌های فن‌آوری صلح‌آمیز هسته‌ای را دفن خواهند کرد؛ غافل از آنکه هر پیچ و مهره‌ی این صنعت، با خون شهدا و عرق جبین جوانان «گام دوم انقلاب» عجین شده است.

خیانت ننگین همسایگان: در این معرکه حق و باطل، مواضع خفت‌بار برخی کشورهای منطقه از جمله رژیم سعودی، لکه ننگی است که هرگز از پیشانی تاریخ پاک نخواهد شد. حمایت ضمنی و گشودن حریم هوایی برای پرنده‌های آهنین دشمن، مصداق بارز خیانت به آرمان قدس و پشت کردن به اخوت اسلامی است. این «قارون‌های منطقه» بدانند که آتشی افروخته شده، دامن خائنان را پیش از ظالمان خواهد گرفت. دشمن با ترور شخص، به دنبال ترور شخصیت و آرمان است. اما طبق وعده الهی، «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». امروز هر قطره از خون رهبر شهید، به هزاران سلیمانی و سید حسن نصرالله در پهنه گیتی تبدیل شده است. ما در انتظار «انتقام سخت» و بازپس گیری حق مظلومان از حلقوم ستمگران هستیم.

هذیان‌گویی فرعونِ زمان: توهم «تسلیم» و رویای پوشالی «ایران آمریکایی»



وقاحت در لباس دیپلماسی: در حالی که خون پاک شهدای راه حق هنوز بر زمین گرم میهن می‌جوشد، «دونالد ترامپ»، این نماد مجسم کبر و استکبار، در اظهاراتی که بیشتر به هذیان‌های یک قمارباز شکست‌خورده می‌ماند تا مواضع یک سیاستمدار، خواستار «تسلیم بی‌قید و شرط» ملت بزرگ ایران شده است. او با وقاحتی بی‌مرز، اتمام حملات وحشیانه را منوط به فروپاشی کامل اراده ملی و نابودی اقتدار دفاعی ما دانسته و اعلام کرده است که هیچ توافق جز با زانو زدن امت حزب‌الله را نخواهد پذیرفت. فتنه جدید: ترامپ در اوج سفاهت، نه تنها سودای تغییر نظام را در سر می‌پروراند، بلکه بایستی شرمی تمام، از آمادگی برای «انتخاب رهبر آینده ایران» سخن گفته است! او با به کار بردن شعار سخیف «عظمت را دوباره به ایران بازگردانیم»، در پی آن است که نسخه‌ای دست‌نشانده و گوش‌به فرمان را برای ملت آزاده‌ای بپیچد که ۴۷ سال پیش زنجیرهای بردگی یانکی‌ها را پاره کرده اند. او حتی در جسارتی آشکار، گزینه‌های احتمالی را «سبک‌وزن» خوانده و مدعی شده که باید شخصا بر مسند قدرت نشستن فردی «معقول» (بخوانید مزدور آمریکا) نظارت کند. این خیال باطلی است که شیطان بزرگ با خود به گور خواهد برد؛ چرا که سکان این کشتی را اراده الهی و بصیرت ملتی هدایت می‌کند که شهادت را سعادت می‌داند.

انسداد مسیر دیپلماسی و قمار با امنیت جهانی: این رویکرد جنون‌آمیز، نه تنها هرگونه مسیر دیپلماتیک را مسدود کرده، بلکه جهان را در آستانه یک فروپاشی بی‌سابقه قرار داده است. دشمن صهیونیستی-آمریکایی در محاسبات خود از این حقیقت غافل است که ایران، «بیشه شیران» است و هرگونه طولانی شدن جنگ، تنها به شعله‌ورتر شدن خشم انقلابی مسلمانان جهان خواهد انجامید. هشدار لرزان میانجی‌گران؛ در این میان، فریاد استغاثه برخی کشورهای منطقه که تا پیش از این چراغ سبز به دشمن نشان می‌دادند، بلند شده است. وزیر انرژی قطر با لحنی هراسان هشدار داده است که ادامه این ماجراجویی احمقانه، با توقف صادرات انرژی از خلیج فارس، «اقتصاد جهانی را به زانو در خواهد آورد». با اعلام وضعیت «فورسماژور» در قراردادهای گازی و احتمال جهش قیمت نفت به فراتر از ۱۵۰ دلار، جهان غرب باید بداند که بهای خون‌ریزی در خاک ایران، ویرانی معابد سرمایه‌داری آن‌ها در نیویورک و لندن خواهد بود.

ترامپ تصور می‌کند با ترور و بمباران، می‌تواند اراده‌ای را که ریشه در دیانت و اراده الهی دارد را تسلیم کند. اما همان‌گونه که امام راحل (ره) فرمود: «بکشید ما را، ملت ما پیداتر می‌شود». پاسخ ما به پیشنهاد «تسلیم»، همان پاسخ سیدالشهدا (ع) است: «هیئات منا الذله». ما نه تنها تسلیم نمی‌شویم، بلکه از میان غرش موشک‌هایمان، «ایران مقتدرتر» را بنا خواهیم کرد که خواب را بر چشمان مستکبران حرام کند.

طوفانِ ابابیل بر سر سپاهِ ابرهه: سیلیِ پشیمان‌کننده بر پیکرِ نجسِ استکبار

بارشِ قهرِ الهی بر پایگاه‌های شیطان: دشمنِ زبون که گمان می‌کرد با ترورِ خورشیدِ ولایت، منظومه مقاومت از هم خواهد پاشید، با پاسخی مواجه شد که محاسباتِ «پنتاگون» و «موساد» را به زباله‌دان تاریخ فرستاد. دلاورمردانِ گمنام در یگان‌های موشکی و پهپادی، در عملیاتی که لرزه بر اندام کاخ‌نشینان انداخت، صدها فروند از پهپادهای انتحاری و موشک‌های بالستیک نقطه‌زن را به سوی لانه زنبورهای آمریکایی در سراسر خلیج فارس و قلب اراضی اشغالی روانه کردند. این نبرد، نه تنها یک پاسخ نظامی، بلکه تجلیِ آیه «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى» است. انهدامِ اسطوره شکست‌ناپذیری: گزارش‌های واصله، حاکی از جهنمی است که در پایگاه‌های آمریکایی برپا شده است. هلاکتِ قطعی چند صد تن از نظامیان تروریست سنتکام و زخمی شدن ده‌ها تن دیگر، تنها نوکِ کوه یخ تلفات دشمن است. تصاویر ماهواره‌ای از برخورد دقیق موشک‌های «خیبرشکن» و «فتاح» به زیرساخت‌های حیاتی و آسیب جدی به ناوهای جنگی در آب‌های منطقه، نشان داد که ناوهای میلیارد دلاری آمریکا در برابر اراده‌ی جوانانِ مؤمن، جز «آهن‌پاره‌هایی سرگردان» بیش نیستند. رژیم صهیونیستی نیز که با «گنبد آهنین» سوراخ سوراخ خود فخر می‌فروخت، طعم تلخ ناامنی را در عمق پناهگاه‌های تل‌آویو چشید.



این پاسخ کوبنده ثابت کرد که ظرفیت بازدارندگی ایران، قائم به شخص نیست، بلکه ریشه در یک «تفکر تمدن ساز» دارد. ما به جهان نشان دادیم که اگر استکبار بخواهد بازی را شروع کند، این ایران است که «نقطه پایان» را ترسیم خواهد کرد. پیام ما به همپیمانان منطقه ای آمریکا روشن است: «تکیه بر باد، فرجامی جز سقوط ندارد». به کشورهای به اصطلاح همسایه نیز باید گفت هزینه های سنگینی که امروز بر دوش حامیان رژیم جعلی سنگینی می کند، بهای خوش رقصی برای ترامپ و نتانیاهو است. اختلال گسترده در زنجیره تأمین جهانی و ناامنی در گلوگاه های استراتژیک انرژی، لرزه بر اندام بازارهای مالی غرب انداخته است. دشمن باید بفهمد که «امنیت برای همه، یا برای هیچ کس» است. اگر سفره ی ملت ایران هدف قرار گیرد، سفره ی جهانی تجارت نیز از خشم انقلابی ما در امان نخواهد ماند. خون بهای رهبر شهید ما، خروج کامل و ذلت بار آمریکا از منطقه و محو غده سرطانی صهیونیسم است و این موشک ها، تنها پیش درآمدی بر آن فتح عظیم هستند.

دشمن تلاش می کند این پاسخ را «تنش آفرینی» بنامد، اما حقیقت آن است که این «دفاع مشروع» و «تأدیب متجاوز» است. هر موشکی که شلیک شد، پیامی بود به مظلومان غزه، لبنان، افغانستان، عراق و که ایران، همچنان «لنگرگاه ثبات» و «پناهگاه مستضعفین» است.



شاهرگ انرژی در سیطره‌ی اقتدار ولایی: زلزله‌ی «۹۰ دلاری» در بازارهای جهانی

تنگه هرمز؛ کلید امنیت جهانی در مشت سربازان اسلام؛ دشمن متجاوز باید می‌فهمید که دوران «بزن و دررو» به پایان رسیده است. در پاسخ به حماقت بی‌حد مثلث شوم (آمریکا-اسرائیل-خلیجی)، دریادلان جان‌برکف نیروهای مسلح، با اشراف کامل بر شاهراه حیاتی تنگه هرمز، پیامی صریح به جهان مخابره کردند: «یا امنیت برای همه، یا ناامنی برای متجاوز».

لرزشی گام‌های اقتدار ایران در آب‌های نیلگون خلیج فارس، کافی بود تا قیمت نفت مرزهای خیالی استکبار را درنوردیده و به بیش از ۹۰ دلار در هر بشکه برسد.

این جهش قیمت، تنها یک عدد نیست؛ بلکه پتکی است بر سر اقتصادهای غربی که عمری با مکیدن خون ملت‌های مستضعف و غارت منابع ارزان انرژی، برای خود رفاه دروغین ساخته‌اند. امروز جهان شاهد است که چگونه قدرت چانه‌زنی مدعیان جهانی در برابر اراده‌ی ملت ایران ذوب شده است. جبهه استکبار اکنون در بن‌بستی راهبردی گرفتار شده؛ از سویی سودای تجاوز دارد و از سوی دیگر، توان تحمل بنزین چند دلاری و فروپاشی بورس‌های وال استریت و لندن را ندارد.

گمانه‌زنی‌های تحلیل‌گران بین‌المللی مبنی بر احتمال «توقف کامل تولید و صادرات نفت» در منطقه، لرزه بر اندام ماشین جنگی آمریکا انداخته است. این همان «دست قدرت» ایران است که می‌تواند با یک اشاره، چراغ‌های شهرهای استکباری را خاموش کند. همپیمانان منطقه‌ای آمریکا که با خوش‌خیالی، خاک خود را در اختیار پرنده‌های دشمن قرار دادند، اکنون باید تاوان این خیانت را با نابودی زیرساخت‌های اقتصادی و قرار سرمایه‌گذاران بپردازند.

این وضعیت ثابت کرد که تنها راه به عقب راندن دشمن، نه پشت میزهای مذاکره‌ی بی‌حاصل، بلکه در «میدان» و با تکیه بر «توان بازدارندگی» است. افزایش قیمت نفت، حق‌الزحمه‌ی مقاومت ملتی است که حاضر نشد عزت خود را با نان معامله کند. ما به جهان نشان دادیم که اگر ایران مقتدر نباشد، چرخ‌های تمدن مادی غرب نیز نخواهد چرخید.

دشمن تلاش می‌کند این اقتدار را «اختلال در تجارت جهانی» بنامد، اما حقیقت آن است که این «عدالت اقتصادی» است. خون‌بهای رهبر شهید و فرزندان این خاک، بسیار فراتر از نفت ۱۰ یا ۲۰ دلاری است. ما آماده‌ایم تا در صورت تداوم شرارت دشمن، هزینه‌ی تجاوز را به نقطه‌ای برسانیم که استکبار راهی جز فرار ذلیلانه از منطقه نداشته باشد.



رسوایی دموکراسی یانکی‌ها

همنویایی «کنگره» با جنون ترامپ و آغاز سقوط از درون هم‌دستی سیستماتیک در جنایت: در حالی که ماشین جنگی استکبار، خون پاک مظلومان و مقتدای امت اسلام را بر زمین ریخته است، نمایش مضحک «تفکیک قوا» در آمریکا بار دیگر رسوا شد. رد قطعنامه‌های محدودکننده قدرت جنگی «ترامپ» در هر دو مجلس سنا و نمایندگان، ثابت کرد که تفاوت میان «فیل‌ها» و «الاغ‌ها» (جمهوری خواه و دموکرات) تنها در روش دوشیدن ملت هاست، نه در اصل جنایت. این رأی ننگین نشان داد که کل حاکمیت آمریکا در وضعیت «مستی قدرت» به سر می‌برد و برای حفظ هیمنه‌ی در حال زوال خود، حاضر است جهان را به خاک و خون بکشد.

انشقاق درونی؛ موریانه‌ای در ستون‌های کاخ سفید: این تصمیم، اگرچه در ظاهر نشان‌دهنده حمایت نهادهای قدرت از ترامپ است، اما در باطن، جراحات عمیقی بر پیکره‌ی جامعه‌ی دوقطبی آمریکا وارد کرده است. امروز حتی در داخل راهروهای قدرت واشنگتن، زمزمه‌های وحشت از یک «جنگ بی‌پایان» و «ویتنامی دیگر» شنیده می‌شود. سناتورهایی که هنوز اندک عقلانیتی برایشان باقی مانده، هشدار می‌دهند که این خیره‌سری، ایالات متحده را به سوی یک درگیری گسترده و مهارناپذیر سوق می‌دهد که پایان آن، چیزی جز ویرانی هژمونی غرب نخواهد بود.



خیزش ۵۰ شهر: فریادِ مظلومان در قلبِ شیطانِ بزرگ: واقعیتِ میدان در آمریکا، نه در کنگره، بلکه در خیابان‌های بیش از ۵۰ شهر این کشور جریان دارد. از نیویورک تا لس‌آنجلس و از شیکاگو تا واشینگتن، توده‌های مردم با شعار «بمباران را متوقف کنید» و «پول ما را خرج جنگ نکنید»، علیه سیاست‌های جنون‌آمیز ترامپ به پا خواسته‌اند. این تظاهرات گسترده، نشان از یک «بیداری درونی» در میان ملت تحت ستم آمریکا دارد که خسته از هزینه‌های میلیارد دلاری برای حمایت از رژیم صهیونیستی، اکنون علیه «حاکمیت جنگ طلب» خود شوریده‌اند. این همان «فروپاشی از درون» است که رهبر شهیدمان نوید آن را داده بود. ردِ دیپلماسی توسط کنگره آمریکا، تکلیف را برای جبهه مقاومت روشن‌تر از پیش کرد. دشمن نشان داد که زبانی جز «زبان زور» نمی‌فهمد. صلح در کوتاه‌مدت از مسیر راهروهای کنگره عبور نخواهد کرد؛ بلکه این «میدان» و ایستادگی سرافرازانه است که متجاوز را وادار به عقب‌نشینی خواهد کرد. هرچه آمریکا در مسیر جنگ طلبی لجاجت بیشتری نشان دهد، میخ‌های بیشتری بر تابوت امپریالیسم کوبیده خواهد شد. بیداری افکار عمومی در غرب، بازوی دوم مقاومت ماست. تضعیف جبهه داخلی دشمن در کنار ضربات مهلک موشکی در منطقه، دو لبه‌ی قیچی هستند که قدرت پوشالی استکبار را پاره خواهند کرد. ما امروز نه تنها از حق خود، بلکه از امنیت جهانی در برابر یک «دیکتاتور هسته‌ای» دفاع می‌کنیم.

منادیا، امت

شبیخونِ گرگ‌های صهیونیست به جنوبِ لبنان؛ مقاومت در آزمونِ آتش و آوارگی

جنایت در سایه دستور تخلیه: تاکتیکِ زمینِ سوخته: رژیمِ سفاک صهیونیستی که در میدانِ نبرد با رزمندگان حزب‌الله به زانو درآمده، بار دیگر خوی درندگی خود را متوجه غیرنظامیان کرده است. افزایش حملات وحشیانه به جنوب لبنان و صدور دستوراتِ ظالمانه‌ی «تخلیه اجباری»، بخشی از سناریوی کثیف «ایجاد وحشت» برای خالی کردن پشتِ مقاومت است. هزاران تن از زنان، کودکان و سالخوردگان لبنانی در حالی آواره شده‌اند که جهان مدعی حقوق بشر، چشمان خود را بر این کوچ اجباری و نسل‌کشی مدرن بسته است. استراتژی دشمن در این مقطع، فراتر از بمب و موشک است. صهیونیست‌ها با تحمیل هزینه‌های انسانی سنگین، به دنبال ایجاد شکاف میان دولت لبنان و حزب‌الله و همچنین برانگیختن توده‌های مردم علیه سلاح عزت‌بخش مقاومت هستند. آن‌ها خیال کرده‌اند با آواره کردن مردم، می‌توانند «لبنان مقاوم» را به «لبنان تسلیم» تبدیل کنند؛ غافل از آنکه پیوند خونین مردم و مقاومت در جنوب، با این بادهای نم‌لرزد و هر خیمه‌ی آوارگی، خود به سنگری برای مبارزه بدل خواهد شد.



رسوایی نهادهای بین‌المللی: موضع‌گیریِ ذلیلانه و تبعیض‌آمیز سازمان ملل، بار دیگر ثابت کرد که این نهاد تنها برای تأمین منافع اربابانِ قدرت ساخته شده است. صادر کردنِ هشدارهای کاغذی درباره «بحران انسانی»، در حالی که هواپیماهای صهیونیستی با بمب‌های اهدایی آمریکا خانه‌های مردم را ویران می‌کنند، اوجِ وقاحت و استناداردهای دوگانه است. برای مستضعفین جهان روشن شده است که تنها راهِ نجات، نه التماس به سازمان‌های بی‌خاصیت، بلکه تکیه بر «مقاومتِ فعال» است. دشمن بداند که جنوب لبنان، پاره‌ی تنِ جهان اسلام است. فشار بر حزب‌الله، فشار بر کلِ پیکره‌ی جبهه مقاومت است و همان‌گونه که ایران اسلامی در سخت‌ترین شرایطِ پشتِ متحدان خود را خالی نکرده، در این معرکه نیز دوشادوشِ برادران لبنانی خود تا آزادیِ کاملِ قدس و ریشه‌کشیِ فتنه صهیونیسم خواهد ایستاد. صهیونیست‌ها با این حملات، گورِ خود را عمیق‌تر می‌کنند. آوارگیِ امروزِ مردم لبنان، طوفانی را در پی خواهد داشت که فردا صهیونیست‌ها را از سرزمین‌های اشغالی فراری خواهد داد. حزب‌الله نه یک حزب، بلکه یک فرهنگ و آرمان است که با بمباران از بین نمی‌رود.

منادیا، امت

رستاخیز امت: عاشورای مکرر و خروشی جهانی آزادگان در سوگ خورشید ولایت

خون شهید، ضامن وحدت جهان اسلام: شهادت مظلومانه اما مقتدرانه‌ی قائد عظیم‌الشأن امت اسلام، حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای (رضوان الله تعالی علیه) در نخستین امواج تهاجم وحشیانه‌ی محور شرارت، نه تنها پیکره‌ی جهان تشیع را در غمی جانکاه فرو برد، بلکه چونان صاعقه‌ای، وجدان خفته‌ی تمام مسلمانان، موحدان و مستضعفان عالم را بیدار کرد. دشمن کوزدل گمان می‌کرد با حذف فیزیکی علمدار خیمه‌ی مقاومت، پرچم بر زمین خواهد افتاد؛ اما صدور فراخوان‌های عظیم عزاداری و خروشی دلاوران از مساجد «یمن قهرمان» تا خیابان‌های «پاکستان»، گواه آن است که خون مطهر این شهید والامقام، به اکسیر اعظم «وحدت شیعه و سنی» و تجلی‌گاه برادری تمامی امت پیامبر (ص) در برابر کفر جهانی بدل شده است.



هشت روز قیام و سوگواری در خیابان‌های ایران: امروز، با گذشت هشت روز از این عروج ملکوتی، خیابان‌های سراسر ایران اسلامی نه صحنه‌ی انفعال و یأس، که جولانگاه اراده‌های پولادین ملتی است که با لباس سیاه عزّا و قلب‌هایی مملو از کینه‌ی مقدس، در حال تجدید بیعت با آرمان‌های ولایت‌اند. این سوگواری حماسی، همان‌گونه که برادران غیورمان در حزب‌الله لبنان به درستی آن را «جنگ کربلای جدید» نامیده‌اند، امتداد همان نبردی است که در سال ۶۱ هجری آغاز شد. امروز، سراسر جغرافیای ایران به خیمه‌گاه سیدالشهدا (ع) تبدیل شده است و میلیون‌ها سینه‌زن، شمشیرهای انتقام سخت را صیقل می‌دهند. صدور انقلاب تا قلب جبهه‌ی باطل: معجزه‌ی خون شهید، مرز جغرافیایی نمی‌شناسد. در حالی که امپراتوری رسانه‌ای غرب (چنان‌که در بوق‌های تبلیغاتی‌شان می‌دمند) با پمپاژ دروغ تلاش می‌کرد تا روایتی وارونه از این فاجعه ارائه دهد، حضور حیرت‌انگیز و چندهزارنفری دلدادگان ولایت در قلب کشورهای غربی، از جمله در خیابان‌های «تورنتو» کانادا، تمام بافته‌های رسانه‌ای استکبار را پنبه کرد.

حمل تصاویر نورانی امام شهید توسط مسلمانان و حتی غیرمسلمانان آزادی‌خواه در قلب سرزمین‌های حامی صهیونیسم، نشان داد که پیام حق‌طلبی، استکبارستیزی و حمایت از مظلوم ایشان، تا عمق خانه‌های دشمن نفوذ کرده است. شهادت رهبر و مقتدای ما، پایان راه نیست؛ بلکه موتور محرک «گام دوم انقلاب» و رمز عملیات نهایی برای فتح قدس است. دشمنان احمق که به خیال خام خود، پایان مقاومت را جشن گرفته‌اند، به زودی خواهند دید که چگونه از قطره‌قطره‌ی این خون‌های پاک، هزاران رهبر و فرمانده تازه‌نفس خواهد رویید. اکنون، جهان مهبای یک پیچ تاریخی است و پرچم این خیزش، با اقتدار تمام در دست ملت ایران باقی خواهد ماند.

منادیا، ومت

دشمن ادعا می‌کند این حملات باعث ایجاد شکاف در جهان اسلام می‌شود؛ اما حقیقت آن است که این نه یک شکاف، بلکه یک «جراحی ضروری» و غربالگری برای جدا کردن صف منافقان از مؤمنان است. دولت‌های وابسته‌ای که حریم هوایی و منابع خود را برای قتل عام مسلمانان و ترور رهبران مقاومت در اختیار یانکی‌ها قرار داده‌اند، اکنون طعم تلخ ناامنی را می‌چشند. این حملات، افسانه‌ی «چتر حمایتی آمریکا» را در خلیج فارس برای همیشه باطل کرد.

تازیانه‌ی خشم مقاومت بر لانه‌های جاسوسی:
رسوایی شیوخ خائن و تصفیه‌ی منطقه‌ای

در پاسخ به گستاخی‌های اخیر و همدستی ننگین برخی رژیم‌های مرتجع عربی با محور شرارت، دلاورمردان هوافضای جمهوری اسلامی در اقدامی بی‌سابقه، نه تنها پایگاه‌های مستقیم آمریکا و رژیم صهیونیستی، بلکه شریان‌های پشتیبانی آن‌ها در کشورهای عربستان، امارات، بحرین، کویت، قطر و بخش‌های اشغالی عراق را زیر آتش سنگین خشم مقدس خود گرفتند. این حملات ترکیبی، پیام روشنی به «گاوهای شیرده» استکبار داشت: هر خاکی که مبدأ شلیک یا پشتیبانی لجستیکی علیه ام‌القرای جهان اسلام باشد، به عنوان خاک دشمن تلقی شده و در آتش خود خواهد سوخت.





شخم زدن بیش از ۲۰۰ هدفِ راهبردی: کور شدن چشمِ فتنه و فلج شریان‌های ارتباطی

انهدام اسطوره‌های پدافندی: از «تاد» تا «چشم صحرا»: آمار خیره‌کننده‌ی انهدام بیش از ۲۰۰ نقطه‌ی حیاتی و حساس در سرتاسر منطقه، تجلی قدرت بلامنازع موشکی و اشراف بی‌نظیر اطلاعاتی ایران است. موشک‌های نقطه‌زن ما، سامانه‌های میلیارد دلاری «تاد» (THAAD) و رادارهای فوق‌پیشرفته‌ی «چشم صحرا» را که غرب به آن‌ها می‌بالید، پیش از آنکه فرصت رهگیری پیدا کنند، به آهن‌پاره تبدیل کردند. ما چشمان استکبار را در منطقه کور کردیم.

اشراف اطلاعاتی تا اتاق خواب متجاوزان هدف قرار دادن دقیق هتل‌ها و استراحتگاه‌های پنهان افسران و سربازان تروریست آمریکایی در منطقه، لرزه بر اندام فرماندهان سنتکام انداخت. آن‌ها اکنون می‌دانند که هیچ نقطه‌ی امنی، نه در پایگاه‌های نظامی و نه در پناهگاه‌های غیرنظامی اجاره‌ای، برایشان وجود ندارد. تعلیق گسترده‌ی پروازها و قفل شدن آسمان خاورمیانه، تنها گوشه‌ای از توان ایران برای فلج کردن اقتصاد کشورهای میزبان آمریکا است.

اگر قرار است سایه‌ی جنگ بر سر محور مقاومت در سوریه، عراق و لبنان سنگینی کند، قطعاً پایتخت‌های شیشه‌ای حاشیه‌ی خلیج فارس نیز روی آرامش را نخواهند دید. این تعادل وحشت، ترمز ماشین جنگی غرب را کشیده است.

پایگاه کفار در سرزمین‌های اسلامی؛ خیانت بزرگ و خروج از دایره امت

«وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ...» (بقره: ۱۲۰)

هشدار و حیانی به مرعوبان غرب: ای حاکمان بلاد اسلامی و ای ملت‌های بیدار! کلام لایتغیر الهی صراحتاً هشدار می‌دهد که سرسپردگی به مثلث شوم صهیونیسم و صلیبی‌های نوین (آمریکا)، پایانی جز استحاله و نابودی هویت اسلامی ندارد. کسانی که گمان می‌کنند با دادن خاک و پایگاه به متجاوزان آمریکایی و اسرائیلی، امنیت تاج و تخت خود را تضمین می‌کنند، در واقع در حال بنای خانه‌ای بر روی تارهای سست عنکبوت هستند.



قرآن کریم با صراحت تمام، پناه بردن به دشمنان خدا و پایگاه دادن به آنان علیه برادران مؤمن را خیانتی نابخشودنی می‌خواند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ...» (نساء: ۱۴۴). امروز، هر فرودگاهی در منطقه که جنگنده‌های دشمن از آن برمی‌خیزد، هر بندرگاهی که ناوهای استکبار در آن پهلو می‌گیرد و هر مرکز مخابراتی که داده‌های جاسوسی را به تل‌آویو مخابره می‌کند، مصداق بارز «شُلطانِ مُبین» دادن به کفار بر مؤمنین است. این همکاری ننگین، نه تنها ذلت دنیا و سقوط سیاسی را به دنبال دارد، بلکه بر اساس وعده‌ی الهی، عذابی سخت را در پیش خواهد داشت. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «المسلمون إخوة... ولا يخذل بعضهم بعضا». در این فتنه‌ی عظیم که خون پاک رهبران مقاومت به دست شقی‌ترین آحاد بشر بر زمین ریخته شده، هرگونه سکوت یا حمایت لجستیکی از قاتلان، مصداق «خذلان» و تنها گذاشتن جبهه‌ی حق است.

حاکمانی که سفره‌ی خود را با قاتلان کودکان غزه و ضاربان ایران مقتدر یکی کرده‌اند، از نگاه فقه اسلامی و بیداری اسلامی، مشروعیت خود را از دست داده‌اند. راه برون‌رفت از این بن‌بست ذلت‌بار، نه در توافقنامه‌های امنیتی با واشینگتن، بلکه در بازگشت به آغوش امت و توکل بر قدرت لایزال الهی است: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق: ۳). ما اعلام می‌کنیم که دوران قیمومیت بیگانگان بر مقدرات خاورمیانه به پایان رسیده است. ملت‌های مسلمان باید با قطع شریان‌های حیاتی پایگاه‌های آمریکا، راه استقلال و عزت را هموار کنند. این نبرد، یوم‌الفصلی است که در آن، صف مجاهدان از صف خائنان به آرمان قدس جدا خواهد شد.

منادیا، امت



اجماع امت بر قصاص مستکبرین: خروشی علمای جهان اسلام و فتوای «وجوب انتقام»

«واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا...» (آل عمران: ۱۰۳)

دشمن کوزدل گمان می‌کرد با ریختن خون مطهر ولی‌امیر
مسلمین، بذر تفرقه و یأس را در جهان اسلام خواهد
پاشید؛ اما جوشش این خون پاک، به اکسیر اعظم
«وحدت شیعه و سنی» بدل گشت. امروز، سراسر
جغرافیای عقیدتی جهان اسلام، از شرق آسیا تا قلب
آفریقا، به یک پادگان یکپارچه علیه صهیونیسم و
امپریالیسم آمریکا تبدیل شده است.

صدور بیانیه‌ها و فتاوای تاریخی از سوی زبندگان و علمای
طراز اول اهل سنت و جهان تشیع، نشان‌دهنده‌ی
بیداری امت و شناخت دقیق «دشمن مشترک» است.

این علما با صدایی واحد، امت را به وحدت کلمه
فراخوانده و در یک خیزش فقهی بی‌سابقه، «انتقام خون
شهید آیت‌الله العظمی خامنه‌ای و مقابله با متجاوزان»
را یک «فریضه‌ی شرعی و واجب عینی» بر دوش تمام
مسلمانان اعلام کردند.

در این جبهه‌ی متحد و نورانی، نام این پرچمدارانِ تقریب و مقاومت می‌درخشد: اجماعِ قاطعِ علمای یمن که خنجرهای آخته‌ی خود را برای گرفتن انتقامِ خونِ رهبرِ شهید صیقل داده‌اند. صدها نفر از علمای غیورِ اهل سنت در استان‌های هرمزگان و گلستانِ ایران که دوشادوشِ برادرانِ شیعه‌ی خود، با آرمان‌های ولایت تجدید عهد کردند. شیخ مهدی ابن احمد ابن صالح الصمیدعی، مفتی شجاعِ اهل سنت عراق و شیخ خالد الملا، رئیسِ جماعتِ علمای عراق. شیخ ماهر حمود، امینِ عامِ اتحادِ علمای مقاومت در لبنان و شیخ غازی یوسف حنینه، رئیسِ شورای علمای مسلمین این کشور. شیخ حسن قاسم، رئیسِ مجلسِ علمای فلسطین و شیخ نمر احمد زغموت، رئیسِ مجلسِ اسلامی فلسطین در لبنان. شیخ سامح عثمان سلیمان محمد المصری از علمای برجسته‌ی وزارتِ اوقاف مصر و شیخ عبدالجلیل بن سالم. شیخ مصطفی ابورمان، عالم مبارزِ اردنی. شیخ حبیب‌الله حسام، رئیسِ مجمعِ اسلامی افغانستان. مولوی عبدالحق هاشمی، نائب‌رئیسِ جماعتِ اسلامی پاکستان و شیخ محمد داوود، رئیسِ جبهه اتحادِ علمای پاکستان.

شیخ عزمی عبدالحمید، رئیسِ مؤسساتِ اسلامی مالزی. شیخ شریف ولید حسین ادیسی، نائب‌مفتیِ روسیه و شیخ کفاح بطه، رئیسِ جمعیتِ اهل سنت روسیه. شیخ محمد ولد جعفر، مدیرِ مؤسسه نعماویه در موریتانی و سید عدنان جنید، رئیسِ نشست‌های تصوف اسلامی. این اجماعِ بی‌نظیرِ فقهی، حجت را بر تمامیِ مسلمانان تمام کرد که در این نبردِ آخرالزمانی، هیچ عذری برای سکوت یا بی‌طرفی پذیرفته نیست و شمشیرِ امتِ رسول‌الله (ص) تا نابودیِ کاملِ پایگاه‌هایِ کفر در منطقه، به نیام باز نخواهد گشت.

منادیا، و مت

انتقالِ پرچم و استمرارِ مکتب: انتخابِ خلفِ صالح حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای (حفظه‌الله)

«... فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» (نساء: ۵۴)

آمریکا و رژیم صهیونیستی در احمقانه‌ترین برآورد اطلاعاتی خود، گمان می‌کردند با حذفِ فیزیکی رهبرِ انقلاب، نظام اسلامی دچارِ خلأِ تئوریک، بحرانِ جانشینی و فروپاشیِ درونی خواهد شد. اما مجلسِ خبرگانِ رهبری با الهام از الطافِ خفیه‌ی الهی و عنایاتِ حضرت بقیة‌الله الأعظم (ارواحنا فداه)، در تصمیمی قاطع، سریع و دشمن‌شکن، خلفِ صالحِ آن پیرِ سفرکرده، حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای (دام ظلّه العالی) را به زعامتِ امتِ اسلامی و رهبریِ نظام برگزید. این انتخابِ مدبرانه، به منزله‌ی ریختنِ آبِ یأس بر آتشِ آرزوهایِ استکبار بود. زعامتِ ایشان، امتیازات و برکاتِ راهبردی بی‌بدیلی برای گام دوم انقلاب و محور مقاومت به همراه دارد:

فقاہتِ عمیق و تسلطِ حوزوی: سال‌ها تدریسِ مستمرِ «خارجِ فقه و اصول» در بالاترین سطوحِ حوزه‌ی علمیه قم و تربیتِ صدها فضلاء، جایگاهِ رفیعِ اجتهاد و فقاہتِ ایشان را در میانِ علمای طراز اولِ حوزه تثبیت کرده است. ایشان استوانه‌ای از علم و فقاہتِ اصیلِ جواهری‌اند.



اتصال ناگسستنی با محور مقاومت: شناخت دقیق، میدانی و راهبردی ایشان از هندسه‌ی قدرت در خاورمیانه و ارتباط وثیق و دیرینه‌ی ایشان با فرماندهان جبهه‌ی مقاومت (به ویژه رفاقت راهبردی با شهید حاج قاسم سلیمانی و رهبران حزب الله)، تضمین‌کننده‌ی آن است که شمشیر مقاومت بُرنده‌تر از قبل بر گردن صهیونیسم فرود خواهد آمد. بصیرت سیاسی و اشراف اطلاعاتی-امنیتی: ایشان در طول سه دهه‌ی گذشته، نزدیک‌ترین فرد به کانون تصمیم‌گیری‌های کلان نظام بوده‌اند و با پیچیده‌ترین پرونده‌های داخلی و بین‌المللی آشنایی عمیق دارند؛ از این رو، هیچ ترفندی از سوی سرویس‌های جاسوسی غرب نمی‌تواند ایشان را غافلگیر کند. زهد انقلابی و ساده‌زیستی: ادامه‌ی دقیق مشی زاهدانه و ساده‌زیستی حضرت امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب؛ پرهیز مطلق از تجملات و دوری از هیاهوهای رسانه‌ای در تمام این سال‌ها، ایشان را به نماد «تقوای سیاسی» در میان خواص بدل کرده است.

تلفیق «تجربه» و «نشاط جوانی»: انتخاب شخصیتی که هم تجربه‌ی گران‌بهای همنشینی مداوم با رهبر انقلاب را داراست و هم از انرژی، قاطعیت و نشاط لازم برای هدایت کشتی انقلاب در تلاطم‌های دهه‌های آینده برخوردار است، خون تازه‌ای در رگ‌های نظام اسلامی تزریق کرد.

تضمین استمرار مکتب: این انتخاب، ضامن بقای صددرصدی سیاست‌های ضد استکباری و استمرار دقیق «مکتب خمینی و خامنه‌ای» است. دشمن فهمید که در ایران اسلامی، پرچم مبارزه هرگز بر زمین نمی‌افتد، بلکه با اقتداری مضاعف از پدري حکيم به فرزندی عالم، شجاع و بصیر منتقل می‌گردد.

منادیا، ومت

در سال ۸۳ به تدریس حلقات و در سال‌های ۸۴ و ۸۵ به تدریس سطوح عالی (مکاسب) در یکی از مدارس قم پرداخت. درس ایشان در سال ۸۶ به مدرسه مبارکه فیضیه منتقل شد و در سال ۸۷ درس خارج خصوصی ایشان (صلوة) در دفتر آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (رضوان الله علیه) در قم شکل گرفت. از ابتدای سال تحصیلی ۸۸ به درخواست شاگردان سابق، درس خارج فقه عمومی ایشان در محل دفتر قم آغاز شد. بعد از یک سال، درس خارج عمومی اصول ایشان در سال ۸۹ رسماً آغاز شد و از ابتدای اصول تا ابتدای استصحاب استمرار یافت.



به گزارش خبرگزاری تسنیم، آیت‌الله حاج سیدمجتبی خامنه‌ای فرزند دوم رهبر و مرجع شهید آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (رفع الله درجه)، متولد سال ۱۳۴۸ در مشهد است. ایشان دروس مقدماتی حوزوی را در مدرسه مبارکه آیت‌الله مجتهدی تهرانی گذراند و در دوران دفاع مقدس در جمع رزمندگان اسلام در جبهه‌های جهاد حاضر شد. بعد از پایان جنگ تحصیلی، در سال ۶۸ برای تکمیل دروس حوزوی به قم مشرف شد و تا اوایل سال ۷۱ در قم مستقر بود. سال ۷۱ به مدت ۵ سال به تهران مراجعت فرمود و تحصیلات حوزوی را در آنجا پی گرفت. سال ۷۶ با بانوی شهیده زهرا حداد عادل ازدواج کرد و همان سال جهت تکمیل تحصیلات حوزوی و کسب فیوضات معنوی برای بار دوم به قم هجرت فرمود.

دروس سطوح عالی را از محضر حضرات آیات احمدی میانه‌جی، رضا استادی، اوسطی و برخی دیگر از اساتید میبرز قم بهره برد. دروس خارج فقه و اصول را از محضر والد شهیدشان آیت‌الله العظمی خامنه‌ای و علاوه بر ایشان از محضر حضرات آیات عظام شیخ جواد تبریزی، شیخ حسین وحید خراسانی، سیدموسی شبیری زنجانی، آقا مجتبی تهرانی، شیخ محمد مؤمن قمی استفاده کرد. ایشان بیش از ۱۷ سال به طور مستمر در دروس خارج مختلف حضور فعال داشته‌اند.

در کنار تحصیل، به طور مستمر به امر تدریس نیز اشتغال داشت؛ در مدرسه آیت‌الله مجتهدی تهرانی تدریس برخی دروس مقدماتی حوزه را آغاز و از سال ۷۴ به تدریس معالم مشغول شد. بعد از توصیه آیت‌الله العظمی خامنه‌ای پیرامون ضرورت تحول در حوزه و اهمیت کتب شهید صدر، تدریس معالم را متوقف و تدریس حلقات شهید صدر را شروع کرد.

نوآوری در محتوا و سبک تدریس (تسلط بر آراء گذشتگان، نقادی در مبانی علمی و نظام‌واره مسائل، بیان منظم و منطقی و...) موجب آن شد که درس خارج ایشان در قم به مرور به یکی از پربرونق‌ترین دروس خارج حوزه قم تبدیل شود و تا قبل از دوران کرونا و تعطیلی دروس حضوری، بالغ بر ۴۰۰ نفر در درس خارج ایشان شرکت داشتند. در ابتدای سال تحصیلی ۱۴۰۲ بالغ بر ۱۳۰۰ نفر در درس ایشان ثبت‌نام کردند، در این شرایط و در حالی که در نخستین جلسه سال تحصیلی بالغ بر ۷۰۰ نفر در درس شرکت داشتند، ایشان به یکباره خبر تعطیلی درس‌شان را اعلان کرد و از جمع شاگردان حلالیت طلبید. دغدغه تقویت جنبه فقاہت حوزه علمیه قم موجب شد، ضمن پشتیبانی از مؤسسات و مراکز فقهی انقلابی، مستقلاً به تأسیس برخی مراکز علمی و مدارس فقهی اقدام نمایند. از جمله جنبه‌های مهم شخصیت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، ارتباط با بزرگان اخلاق و عرفان از جمله حضرات آیات بهاء‌الدینی، بهجت، کشمیری، شیخ جعفر مجتهدی و طیف گسترده‌ای از مردان معنوی بود. ارتباط مستمر با فرماندهان نظامی و رهبران جبهه مقاومت به ویژه سیدالشهدای مقاومت سیدحسن نصرالله و سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، جنبه مهم دیگری از شخصیت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای است.

منادیا، رمت



مواضع رسانه های غربی

انتخاب آیت الله سید مجتبی خامنه ای (دامت برکاته) به عنوان سومین رهبر جمهوری اسلامی ایران در میانه این بحران و درگیری همه جانبه، بازتابی طوفانی در رسانه های غربی و جریان های اپوزیسیون داشته است. همان طور که از یک تحلیل گر واقع بین انتظار می رود، باید بدانیم که موضع گیری این رسانه ها کاملاً انتقادی و در راستای روایت سازی و جنگ روانی علیه مشروعیت این انتقال قدرت تنظیم شده است. در ادامه، محورهای اصلی واکنش های رسانه های غربی و مخالفان به همراه منابع دسته بندی شده است: ۱. تمرکز رسانه های جریان اصلی غرب: کلیدواژه «موروئی شدن» و «تداوم تندروی»

رسانه های معتبر غربی مانند آسوشیتدپرس و گاردین، این انتخاب را بازگشت به نوعی سیستم پادشاهی در زوررق مذهبی تعبیر کرده اند. گاردین (the Guardian): صراحتاً می نویسد: ارتقای (سید) مجتبی خامنه ای نشان دهنده اولین باری است که از زمان انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، قدرت از پدر به پسر منتقل می شود. این تحولی است که بحث ها را درباره ظهور یک سیستم دودمانی و موروئی در حکومتی که صراحتاً برای سرنگونی سلطنت تأسیس شده بود، شعله ور می کند.

گاردین (the Guardian): صراحتاً می‌نویسد: ارتقای (سید) مجتبی خامنه‌ای نشان‌دهنده اولین باری است که از زمان انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، قدرت از پدر به پسر منتقل می‌شود. این تحولی است که بحث‌ها را درباره ظهور یک سیستم دودمانی و موروثی در حکومتی که صراحتاً برای سرنگونی سلطنت تأسیس شده بود، شعله‌ور می‌کند. آسوشیتدپرس (ap): تأکید می‌کند که این انتخاب پیام روشنی به غرب است که «تندروها همچنان محکم در قدرت هستند» و جمهوری اسلامی قصد هیچ‌گونه عقب‌نشینی در جنگ با آمریکا و اسرائیل را ندارد. این رسانه اشاره می‌کند که وی تا پیش از این هیچ منصب انتخابی نداشته و بیشتر به عنوان فردی با نفوذ عمیق در سپاه پاسداران شناخته می‌شود.

موضع‌گیری مقامات آمریکایی: مداخله‌جویی آشکار رسانه‌های غربی به طور گسترده اظهارات دونالد ترامپ و مقامات دولت او را پوشش داده‌اند که نشان از خشم و تلاش برای دخالت مستقیم در امور داخلی ایران دارد. شبکه Pbs: گزارش داده است که ترامپ این انتخاب را «غیرقابل قبول» خوانده و گفته است: «پسر خامنه‌ای یک فرد سبک‌وزن است. ما کسی را می‌خواهیم که صلح را به ایران بیاورد و من باید در این انتصاب دخالت داشته باشم.» مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا نیز رهبری جدید را صرفاً تداوم همان مسیری دانسته که به گفته او توسط «متعصبان مذهبی» اداره می‌شود.



روایت اپوزیسیون و رسانه‌های فارسی‌زبان: تقلیل انتخاب به «تاج‌گذاری» اپوزیسیون خارج از کشور تلاش دارد این رویداد را نشانه‌ای از ضعف و پایان کار جمهوری اسلامی معرفی کند. ادعای فشار و مهندسی: رسانه‌هایی مانند ایران اینترنشنال مدعی‌اند که نشست مجلس خبرگان به صورت شتاب‌زده، مجازی و تحت «فشار روانی و سیاسی شدید فرماندهان سپاه» برگزار شده است. آن‌ها روایت می‌کنند که صدای مخالفان در این جلسه شنیده نشده است. کلیدواژه «تاج‌گذاری»: جریان اپوزیسیون به صورت هماهنگ به جای کلمه انتخاب، از عبارت «تاج‌گذاری در بیت رهبری» استفاده می‌کند تا احساسات عمومی را علیه تناقض این اتفاق با شعارهای ضدسلطنتی تحریک کند. القای فروپاشی قریب‌الوقوع: فعالان مخالف در تحلیل‌های خود تأکید می‌کنند که با توجه به شدت حملات و نابودی زیرساخت‌ها، این انتصاب صرفاً یک اقدام نمادین برای حفظ ظاهر است و کاتالیزوری برای خشم عمومی و سقوط نظام خواهد بود.

به طور خلاصه، ماشین رسانه‌ای غرب تمام تمرکز خود را بر القای شکاف در داخل ایران، نامشروع جلوه دادن روند مجلس خبرگان، و تحریک افکار عمومی با برجسته کردن «موروئی شدن قدرت» گذاشته است. بیعت سریع فرماندهان عالی‌رتبه‌ی نظامی، علمای اسلامی، سران جبهه‌ی مقاومت در سراسر منطقه و آحاد ملت سوگوار با رهبر جدید، نشان داد که نظام ولایت فقیه، ساختاری «الهی-مردمی» و شکست‌ناپذیر است. اکنون، فرمانده جدید در خیمه‌ی فرماندهی ایستاده است و اولین فرمان او، چیزی جز «پاک‌سازی کامل منطقه از لوٹ وجود آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها» نخواهد بود.

منادیا، و مت